

# بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی

فیروزه صادق‌زاده دربان

## درآمد

در آغاز قرون وسطی، یهودیت تحت تأثیر دو دین جدید مسیحیت و اسلام قرار گرفت، اما از آن‌جا که مسلمانان از در نیکی و طریق مسالمت با پیروان آیین یهود درآمدند، و نیز به جهت قرابت نژادی و دینی که یهودیان میان خود و مسلمانان احساس می‌کردند در تعامل با اندیشه‌های اسلامی تأثیر بسیاری پذیرفتند. در همین دوران بود که تحقیقات علمی و مطالعات فلسفی و کلامی یهود از سرگرفته شد و برخی آراء و اندیشه‌های کلامی اسلامی، به‌ویژه در دوره اقامت آن‌ها در اسپانیای اسلامی، به مطالعات آن‌ها راه یافت، تقریباً از قرن نهم تا سیزدهم میلادی، یعنی زمانی که زبان عربی زبان اصلی نوشتارهای علمی و فلسفی یهود بود.

هری اوسترین ولفسن، فیلسوف، مورخ و اندیشمند دانشگاه هاروارد در اثر گران‌قدر خود، بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی، به بررسی بحث، تفصیل، اقتباس و جرح و تعدیل این دیدگاه‌ها از سوی اندیشمندان یهودی پرداخته است.

ولفسن نخستین صاحب کرسی دپارتمان مطالعات یهودی در امریکا بود که طی سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۵۸ به تدریس فلسفه و تاریخ علوم عقلی یهودیت و نیز رابطه فلسفه و کلام مسیحی و یهودی با اسلام اشتغال داشت. وی آثار بسیاری نیز به رشته تحریر درآورد که از آن میان می‌توان به فلسفه علم کلام، مسائل طبیعیات ارسطو در فلسفه یهودی و اسلام، شرح فلسفه اسپینوزا، و مطالعاتی در تاریخ فلسفه و دین اشاره کرد.

هری اوسترین  
ولفسن، بازتاب-  
های کلام اسلامی  
در فلسفه یهودی،  
ترجمه علی  
شهبازی، قم:  
مرکز مطالعات  
ادیان و مذاهب،  
۱۳۸۷



او پس از عمری تدریس و تحقیق سرانجام در سال ۱۹۷۴ در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

### درباره کتاب

بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی، در حقیقت محصول و نتیجه اثر عظیم او فلسفه علم کلام است که طی سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۴ نگاشته شد، با این حال اثری مستقل به شمار می‌آید که پیوندی ناگسستنی با فلسفه علم کلام دارد.

وی که در کتاب فلسفه علم کلام خود به بازسازی نهضت فکری و فلسفی قرون وسطی میان متفکران یهودی، مسیحی، و به‌ویژه مسلمانان پرداخته است،<sup>۱</sup> یهودیت را از جمله عوامل تأثیرگذار بر کلام اسلامی دانسته که در سه مسئله انسان‌نگاری (تشبیه)، قدیم یا مخلوق بودن قرآن، و جبر و اختیار نمایان شده است. لکن از سوی دیگر با اشاره به نظر ابن‌میمون (۱۱۳۵-۱۲۰۴)، مشهورترین نام در فلسفه قرون وسطای یهودی و بزرگترین تدوین‌کننده شریعت یهود، از تأثیرات کلام اسلامی بر آراء کلامی یهود و اقتباس‌های آنان می‌گوید که بیشتر در میان «قرائی‌ها»<sup>۲</sup> یافت می‌شود. در واقع آنچه از آموزه‌های دینی و الاهیاتی یهودی به وسیله فیلون اسکندرانی (حدود ۲۰ق.م-۴۰ق.م) با اسلوب اندیشه و فلسفه یونان باستان تبیین شده بود، در قرون وسطا تأثیر بسیاری از کلام اسلامی گرفت که از میان فرق اسلامی، بیشترین سهم را معتزله داشته است.

ایزادور توئرسکی در پیش‌گفتار کتاب حاضر اذعان می‌کند که این تألیف در حقیقت اثری تبیینی - تفسیری است که سلسله‌ای جذاب و مفصل از شرح متون فلسفی الاهیاتی را در یهودیت در برمی‌گیرد. در واقع آنچه مقصود و لفسن در این اثر بوده، نه تأثیر دیدگاه‌های کلامی اسلامی بر فلسفه یهودی است، بلکه وی در تلاش است تا نوعی دیالکتیک آشکار و مستمر را در متون فلسفی الاهیاتی یهودی نشان دهد و درست به همین دلیل است که از واژه بازتاب استفاده می‌کند نه تأثیر.

در کتاب حاضر، مبحث نخست تحت عنوان «صفات و تثلیث» به این امر می‌پردازد که آیا صفات خداوند زائد بر ذات اوست یا این که او از بساطت ذاتی برخوردار است و صفات او عین ذات اوست. در حقیقت آنچه موضوع اصلی این بخش را به خود اختصاص داده، مسئله وحدانیت خدای متعال در کتاب مقدس است.

یهودیان نخستین بار در باب این مسئله با معتزله هم‌رأی شده و وحدانیت را علاوه بر وحدت عددی به وحدت درونی یا همان بساطت مطلق تأویل کردند. در حقیقت پیروی آن‌ها از معطله در باب صفات خداوند به این مسئله منجر شد که آنها با واقعیت داشتن صفات به مخالفت برخیزند. و لفسن این مسئله را ضمن پرداختن به آراء و نظرات اندیشمندان چون مقمص، سعدیابن یوسف، یعقوب قرقسانی، یوسف بصیر، یوسف بن صدیق، یهودا هدسی، و ابن‌میمون به تفصیل بررسی می‌کند.

مبحث دوم تحت عنوان «جنبه معنایی مسئله صفات»، دیدگاه‌های متفکران یهودی را از لحاظ معنایی درباره صفات خداوند متعال

بررسی می‌کند. او معتقد است تلاش‌های فلاسفه یهودی در بحث از صفات خدا و معنای آن‌ها به منظور نفی مشابهت خداوند با موجودات دیگر بوده است چرا که آن‌ها در مسئله صفات و نفی واقعیت داشتن آن با معتزله هم‌عقیده بودند. در حقیقت آنان سعی می‌کردند تا به گونه‌ای تشبیه‌های موجود در کتاب مقدس را با معانی تمثیلی و رمزی تبیین کنند. به عنوان مثال سعدیا این عبارت را که خداوند آتشی سوزنده است (تثنیه ۲۴:۴) را به نحو مجازی تفسیر کرده و آتش را تمثیلی از کیفر و عذاب الهی دانسته است.

در این بخش، آن‌چه قابل توجه است نقد دیدگاه‌هایی است که یهودیان را اهل تشبیه دانسته و خدای کتاب مقدس را انسان‌وار توصیف کرده‌اند.

مبحث سوم کتاب با عنوان «مسیح‌شناسی»، یکی دیگر از حوزه‌هایی را که یهودیان از مسلمانان مطالبی را اقتباس کرده و از آنان اطلاعات بسیاری کسب کرده‌اند، معرفی و بررسی می‌کند.

از آن‌جا که مسلمانان از طریق ارتباط با مسیحیان ساکن کشورهای اسلامی مطالب بسیاری را درباره مسیح‌شناسی آموخته و از دیدگاه‌های مختلف اطلاع یافته بودند، یهودیان مقیم این کشورها از آثار و کتب اسلامی استفاده بسیار کرده و مطالب بسیاری درباره مسیح و مسائل پیرامون آن هم‌چون تثلیث آموختند.

در مبحث چهارم که عنوان «قرآن ازلی و تورات ازلی» به خود گرفته است، ولفسن سعی می‌کند تا بازتاب‌های اعتقاد به قرآن ازلی نزد برخی مسلمانان و مسیح ازلی نزد مسیحیان را در یهودیت نشان دهد. در این بخش نیز نظرات اندیشمندان یهودی بررسی شده است که علاوه بر اشخاص نام برده شده در دو بخش نخست، یهودبن برزیلای و ابراهیم‌بن عزرا را باید به آن بیافزاییم.

مبحث پنجم کتاب با «عنوان عرش ازلی، اراده خلق شده»، نخست تأثیر تفسیر و تأویل‌های مسلمانان از عرش الهی و فرشتگان حامل آن را در بررسی دوباره اندیشمندان یهودی از روایات یهودی از کرسی جلال و به‌ویژه گفته‌های حاخامی را درباره وجود ازلی آن نشان می‌دهد و آراء متفکران یهود را در این باب مسئله بررسی می‌کند. سپس به اختصار موضوع اراده مخلوق را به این معنا که خداوند آفرینش عالم را به وسیله موجودی غیر جسمانی به نام «اراده» خلق کرده است، بنا بر این مرید بذاته نیست، مطرح می‌سازد.

«نظریه‌های تأیید نشده در باب آفرینش» مبحث ششم کتاب حاضر است که در آن ولفسن کیهان‌شناسی‌های تحریف‌شده منسوب به فلاسفه یونان را برمی‌شمرد، مثلاً نظریه طالس ملطی که ماده مواد عالم را آب می‌داند. البته در ادامه مباحث یک نظریه کیهان‌شناسی مبتنی بر کتاب مقدس و قرآن را نیز بیان می‌کند که پذیرفته شده هستند. او چهارچوب بحث خود را دوازده نظریه از سیزده نظریه‌ای قرار داده که سعدیا در کتاب خود اِمونت و دعوت بر شمرده است و به گفته خودش نظریات مشابهی را همچون هشت نظریه‌ای که بغدادی در الفرق بین الفرق و شش‌تایی را که در اصول می‌آورد و نیز پنج نظریه‌ای که ابن حزم در فصل ذکر کرده، در این دوازده نظریه گنجانده است.

مبحث هفتم کتاب به «نظریه اتم‌ها» اختصاص یافته و همین عنوان را به خود گرفته است. ولفسن در این بخش نگرش فیلسوفان یهودی را در باب اتمیسم یا اتم‌باوری بیان می‌کند. او ابتدا این مسئله را نزد «گائون‌ها»،<sup>۲</sup> بررسی می‌کند و سپس به «اندلسی‌ها» و «قرائی‌ها» می‌پردازد.

در هشتمین مبحث با عنوان «علیت»، نفی یا پذیرش علیت را از سوی متفکران یهودی بررسی می‌کند و نخست به آراء حاخامی‌ها می‌پردازد که سعدیا و بحیه از آن جمله‌اند. وی به روشنی نشان می‌دهد که همه حاخامی‌ها علیت را پذیرفته و تغییر امور در جهان را منوط به علت یا هدفی از سوی خداوند می‌دانند.

در میان اندیشمندان و فلاسفه یهودی ابن‌میمون تفصیل بیشتری به این موضوع داده و آن را دقیق‌تر بررسی کرده که ولفسن دیدگاه‌های او را بیشتر مورد توجه قرار داده است.

نهمین و آخرین مبحث کتاب به مسئله «اختیار» به عنوان یک میراث دینی نزد فیلسوفان یهودی اختصاص یافته است. ولفسن معتقد است فلاسفه یهودی در دوره عربی به واسطه تماس و ارتباط با مسلمانان با مسئله اختیار آشنا شدند. او در این بخش از کتاب خود دو موضوع را در باب اختیار که فلاسفه یهودی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند ارائه می‌دهد. نخست بیان دیدگاه‌های خاص متکلمان در باب جبر و اختیار توسط ابن‌میمون؛ و سپس تعارضات مربوط به اختیار که در پنج مسئله با عناوین: اختیار و آیات جبرگرایانه در کتاب مقدس؛ اختیار و علم پیشین خدا؛ اختیار و اجل؛ اختیار و رزق و اختیار و قدرت خدا بحث شده‌اند.

### پی‌نوشت‌ها.

۱. نک به نصرالله پورجوادی، مباحثی درباره ظهور علم کلام، معارف، دوره دوم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۶۴
۲. از فرقه‌های یهودی که در قرن هشتم توسط عانان‌بن داود بنیان‌گذاری شد. قرائین به شریعت شفاهی (تلمود) ایمان نداشته و تنها تورات را به رسمیت می‌شناختند. این فرقه نماینده مهم‌ترین اعتراض نسبت به یهودیت حاخامی است.
۳. گائونیم معادل فقیهان به رهبران معنوی یهودیان جهان اشاره دارد که پس از تألیف تلمود یعنی از اواخر قرن ششم تا پایان سده سیزدهم میلادی به اندیشمندان توراتی اطلاق می‌شد. سعدیا بن یوسف مشهورترین گائون هاست.